



(روزنامه یومیه عصر) صاحب امتیاز و مدیر: ع. سعیدی (محل اداره: چهارراه وزارت جنگ عمارت انتخابیه) (شماره تلفون ۴۴۴)

(عصر ۲ شنبه) ۲۴ مرداد ماه ۱۳۱۱ ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۵۱ ۱۵ اوت ۱۳۴۲

قیمت اشتراك در طهران و ولایات: ۱۰۰ ریال ۵۰ ریال ۱۵۰ ریال ۸۰ ریال (قیمت اعلانات: صفحه اول ۳۰۰ ریال ۳۰۰ ریال ۳۰۰ ریال)

در اطراف مقاله مورینک بیست

عراق چه میگوید؟

در باره این مملکت همسایه چه قضاوت می کنید؟ آیا تصور میکنید طبقه روغن فکر و استقلال طلب عراق این پیش آمدها را نظر خوسردی نگاه میکنند؟ تصور می کنید عراقی ها نمی دانند در چه وضعیت ناگواری واقع شده اند؟

خیر! این تصور را هیچگاه نکنید! امام ساکنین عراق میدانند بزرگترین گناهشان این است که مملکت آنها میر و دروازه هندوستان است. پیش خود حل کرده اند که تا وقتی هندوستان محل ارتزاق و زندگی انگلستان و یگانه منبع ثروت آن مملکت است با تمام صواب و بدبختی و کشمکش های داخلی مواجه خواهند شد و از پیشرفت آنها بسوی تمدن و ترقی حقیقی جلوگیری میشود.

امروز هر جنبش وطن پرستی و استقلال طلبی در این مملکت با سر بیزه اجانب جواب گفته می شود. فکر های روغن، فکر های متعصب، فکر های ترقی خواهی در این مملکت کشته و محو می گردد. زیرا اگر از این احساسات جلوگیری نشود، نظر و انضباط عراقی ها روز بروز ضعیفتر و کم تر می شود. روزی اگر از این زیربار حکمفرمای اجانب نرو و نگذارند در داخله مملکت آنها، در ادارات آنها نفوذ و حکومت داشته باشند.

دیپلماسی انگلیس در ۳۰ ژون ۱۹۴۰ قرار داد جدیدی با عراق بست. این قرارداد صدی صد نفع دولت بریتانیا و برای حفظ و صیانت هندوستان بود که امروز بیشتر قضیه علنی شده است.

در طی این قرار داد نکات برجسته گنجانیده شده که هیچیک از آنها استقلال و تمامیت عراق را حایق نیست و بالعکس نفوذ بریتانیا را از یکطرف دیگر تقویت و بسط میدهد.

دولت انگلیس با عقد این قرارداد یک تیر چند نشان زده و چند نکته دقیق را مورد توجه قرار داده: از یکطرف خواسته است در دنیا بگوید انگلستان از قیومیت عراق صرف نظر نموده و عراقی می تواند با داشتن این حق در جامعه ملل وارد شریکیت این عنوان خود را برقرار سازد و استقلال و آزادی ملل جاوه نه حد از طرف دیگر اداره امور لشگری عراق که متضمن مخارج زیادی برای او بود و روبرو هر قدر هر سال میلی برخزان انگلستان تحمیل مینمود منحل و بخود عراقی ها واگذار نموده و از این راه خلیجی صرفه جویی می نماید.

و الا اگر استقلال میدهد هیچ بنطق دارد که دولت انگلیس در قرار داد ۳۰ ژون برای خود حقوقی قائل شود و منطقه بصره را رسماً مرکز عملیات و تجهیزات بحری و بری خود قرار دهد؟

این اقدام برای چیست؟ برای جلوگیری از اجحاف و تجاوزات کدام دولت است؟

کبست که نمیتواند تشخیص بدهد این عملیات و تجهیزات برای حفظ موقعیت انگلیس هادر خلیج و برای استحکام دروازه هندوستان است؟ این فقط مآولم عراقی هاوساکنین خلیج فارس نه مسائل باخوب تشخیص می دهند بلکه در نظر عالیان نیز تظاهرات می اصل مزبور هیچ زرق و برقی ندارد، منتها همه دارای همین افکار هستند، بیشتر دول وممالک عالم چشم بملل دیگر دوخته و میخوانند گاو شیرده داشته باشند، تنها دولت انگلیس نیست که میخواهد مستمرات خود را نگاه دارد و در پرتو آن زندگی کند بلکه بسیاری از ممالک دنیا که امروز در جاهه ملل سنگ شربت و نوعی اصل را بسینه میزنند همه در یک ردیف و یک اصل را تقیب میکنند و آن جلوگیری از رهدگی است که تحت استیلاي آن ها قرار گرفته همچنین برای بسط قدرت خود و ضمه قوای ملی و ایجاد هرج و مرج و ملوک الطوائفی است تا بتوانند همیشه مستمسک در دست داشته و استفاده کنند.

نه فقط بدبخت مالکی هستند که در زیر سر پنبه طرفداران بشریت ناله میکنند بلکه ممالکی هم که در مجاورت این قبیل مستمرات یا منطقه های نفوذ دول مزبور قرار میگیرند همیشه دوچار کشمکش و با بدبختی دست بگریبان می شوند.

ایران یکی از آن ممالکی است که بخاطر حفظ قطعه زرخیز هندوستان، بخاطر حفظ مادن و منابع مهم، بخاطر طبیعت خداداد آن از يك قرن و نیم با نظر مورود توجه مخصوص دیپلماسی انگلیس بوده و همین افکار و نظریات یکی از عوامل مؤثری بوده است که مملکت ما را صدها سال عقب کشانده تا امروز که به گفته مورینک بیست ایران برای آنها «مشکل» شده و خار

راهی در برابر خود فرض کرده اند - واقعه معلوم نیست این خار راه چیست که اینطور نگرانی و وحشت آنها را تولید کرده است؟ شک نیست که دولت ایران دیگر اجازه نمیدهد حقیقت حق او دستخوش مطامع اجانب شود، دیگر نمیگذارد يك تجار تخاصه خار چسبی «کمیانی نفت» با تشیبات و تبلیغات حقوق ملی ما را تضییع نماید، اجازه نمیدهد اجانب آن خود سربها را تکرار نمایند و الاخره دولت کنونی ایران یگانه حافظ و نگاهبان مملکت و نگهدار شئون و حیثیت ملی است.

این هاخارهای راهی است که اجانب در راه پیشرفت منافع و مطامع خود فرض کرده و راضی نیستند مملکت ماداری چنین وضعیت تین و وضعی باشد که تراند کلاه خود را از دستبرد دیگران محفوظ و مصون دارد.

صبح امروز ما از عراق بوده میخواستیم بدایم آنها چه میگویند؟

دیروز یکی از جراید مهم عراق «العالم العربی» با داره ما رسید - سر مقاله این روزنامه نظر ما را جلب کرد، معلوم شد همین موضوعی را که این روزها مطبوعات طهران برائرتنگارشات مورینک بیست تعقیب کرده اند مطبوعات عراق را هم بصدا آورده است «العالم العربی» روزنامه «العالم العربی» متن مقاله مورینک بیست را انتشار داده و در شرحی اظهار عقیده نموده که حاکی از عدم رضایت و وجود فشار دولت بریتانیا بر آن حکومت است.

روزنامه مزبور با اینکه هزاران نکات سیاسی را تا جزایست رعایت نماید، همدا حقایق را اظهار کرده و در برابر اقدامی که دولت انگلیس در نظر دارد در بصره بنماید ابراز نگرانی نموده و بدبختی های عراق را تا حدی شرح کرده است که ما برای مزید استحضار خوانندگان محترم مقاله مزبور را که در شماره پنجم اوت انتشار یافته است ترجمه و قبلا درج می نمایم.

ترجمه از عالم العربی: بریتانیا و خلیج فارس

نویسنده این مقاله (مقصودش نویسنده مورینک بیست است) موضوعی را که ماه پیشه تذکر شده بودیم. مؤکداً بما خاطر نشان می سازد و آن موضوع مشکلی نظیر مسئله مشکل کالس و فرومکه مشکلت از آن است که با این مملکت منتقل گردیده و عراق مانند سنگری شده است که بریتانیا برای صیانت و حمایت راه مهم جدید هندوستان آن را اتخاذ کرده است معاهد اخیر (منقده بین بریتانیا و عراق) این حق را برای عراق خود را در معرض تصادم قرار داده است، او - یعنی بریتانیا - اعتراف کرده و بان ترتیب عراق خود را در معرض تصادم قرار داده است، آن هائی که اندکی آینده را دور بینانه تر می نگردند میدانند که اگر در اتصال این راه آبی با فشاری شود ناگزیر سرحدات این مملکت یکی از دیدانهائی نبرد واقع خواهد شد و میدانند که ما در چه وضعیت مشکلی در افتاده و این مملکت بین دو آسیاب قوی قرار گرفته است.

مردم خیلی چیزها میشوند که دولتی تائیس میشود. و آنها را بنام دول آزاد ویا حاجز میزنند، و در نتیجه تمام مصائبی را که يك شكرا، شكرا، شكرا بین دندانهای شیر واقع شده باشد - میچشند، و اینک سر نوزده ما چنین قدر گردیده که این مملکت را هم نظیر همان ممالک ننگریه، و چشم خود ببینیم در طریقی سیر مینمایند که میدان یکی از کارزار های آینده باشد.

بریتانیا سرعت عجیبی تجهیز این میدان برای اجرای مقاصد و نیات خود بطور مقتضی اقدام نموده، و علاوه از آزمایشهای بنیادی که به چشم خود نگرستیم و نویسنده مقاله یکی از آنها را شاهد مثال آورده است، این تجهیزات فوری و سریع را هم بعمل آورده است. ما در همین اواخر اقداماتی را که اداره بندر (مقصود بندر بصره است) برای ایجاد فرودگاهی جهت طیارات در بصره و توسعه یرت بصره بعمل آورده یاد آورده است و نویسنده انگلیس مورینک بیست خواسته است این اقدامات را مستند بمقاصد خیره خیره انسان دوستی! بنمایند، ولی طوری که عقل هم چنین حکم مینماید، مستند این عملیات قهقهائی است که برای اجرای این قشقه عظیم برداشته میشود و از منتهای خلیج بجزیره شروع و بساحل بحر ابيض متوسط بیان میرسد و برای ایجاد قلاع محکم و فرودگاههای لازمه، و انبار و مؤسسات دیگری که جهت استراحت کاه و غیره لازم است. علاوه از اقداماتی که به طور غیر مستقیم در میدان سیاست و اقتصاد عمل آورده اقدام نموده اند.

در حقیقت ترقی هوائی پیمانی میدانی برای ابراز فعالیت خود، بهتر از این میدان پیدا

عاشق دیوانه

بیسی است اجتماعی (درام در سه پرده)

اثر: میرسید علیخان آذری توسط هیئت تاتر کرمانشاهی



در سالون گران هتل در روز ۳۰ مرداد ۱۳۱۱ ساعت ۸ و نیم بعد از ظهر وسایل راحتی از هر قسم مهیا گردیده

تایر نقاشی عده کثیره ای بر تاشکوه

پرگرام بعد - آرشین مال آلان

لاصله تجدید میشود. شماره اعلام ۳۳۰

امشب است

امیر ارسلان و فرخ لقا توسط مجمع تاتر آلان طهران در نمایشگاه تهران لانهزار

باد کورها و لباسهای مخصوص و رقصهای مختلف سری اول در سه پرده شروع نمایش ساعت هشت و نیم بعد از ظهر

نمره اعلان ۴۱۳

نکرده است، ولیکن ما در این میان و در هر حال ضرر عیب داریم

خوانندگان از مندرجات این مقاله نویسنده انگلیسی درک میکنند که سیاست بریتانیا که با سهولت هر چه تمامتر در این مملکت پیشرفته است با مشکلات زیادی در ممالک دیگر مواجه گردیده فعلا طلیعه این مشکلات در مقابل سیاست انگلیس در ایران ظهور نموده و دولت ایران از پرواز طیارات انگلیس از فراز خاک خود جلوگیری کرده است و با این دولت انگلیس - طوری دیگر رفتار نموده است که چیزی که مهم است اینکه بر ما حتم شده که در تمام این مختصات بین بریتانیا و بعضی دول همجوار، آینده از این مصاحبت جز دلگیری و ناخوشنودی نیبریم

حقیقه برای آینده این مملکت منطقه فوق العاده مشکلی ایجاد شده است و هر اندازه که بیشتر نظر فرودگاههای طیارات واقعه در ساحل غربی فرات، و باقادات و فعلیهائی که جهت تحکیم مراکز هوا پیمانی در خلیج می افکنیم، چیزی که موجب اطمینان و خوشنودی ما از تائیس این قلاع باشد که قرارداد منقده میگردند: برای دفاع از خطر هجوم خارجی است. نمی بینیم، این قلاع واسطه قوی و زورندگی خواهد بود که در آیه، علی رغم عدم رضایت ما، ما را در طریقی سیر خواهد داد، که ابداراضی قدم برداشتن در آن راه نبوده، و ناگزیرترین مملکت همجوار ما را دچار مشکلترین موقعیتهای مینماید.

بایستی بایته با دیده ترسناک و پر از احتیاط نگرست، سیاست کنونی با فعالیت پیش میروند، و فعالیت آن لا اقل در مملکت افزوده خواهد شد، و هر قدمی که در این راه برداشته شود ما را به آن مرحله خطر نزدیکتر میسازد، آهائی که سر نوشت ممالک آزاد را (مقصودم لکی است که بین سرحدات دول مملکت برای جلوگیری از هجوم بدولت دیگری ایجاد میسازند، مانند داتریک بین آلمان و لهستان) دیده اند میسازند خطری را که بدان اشاره میکنیم درک نمایند.

اگر این مملکت سنگری یکی از طرفین متصادمین باشد، هر گاه قضیه منحصر قسمت لشگری که ناگزیر نتایج آن تا مدتی تأخیر میشود بود باز هم احساس خطر سبکتر مینماید و لیکن اقدامات مزبور در تمام قسمت ها تعمیم دارد، و بدون شك وضعیت اقتصادی ما با ایران بهترین شاهد قضیه است.

این است قضاوت روزنامه که دولت بریتانیا برای حفظ مملکتش از تعرضات خارجی در آنچه تجهیزات مینماید تمام ملاحظاتی سیاسی که روزنامه مزبور داشته و ناله های درونی خود را در بسینه حقه کرده و فقط طبق قسمت آن، آن هم تحت لاف و با احتیاط ابراز داشته است... نگارشات روزنامه عالم العربی دارای نکات دقیقی است که مسائل دیگری را ضمناً در نظر ما مجسم میسازد و شایان این است که موضوع تحت بحث و مطالعات بیشتری درآید.

جوانی که جنایت را ارتب کرده است!

در اواسط ماه ژوئن گذشته در مجلس عمومی برلن بکفر از محکومین باعدام را اعدام نموده و در تحقیقاتی که از هویت او و پدرش معلوم آمده است معلوم گردیده که خانواده این جوان محکوم در مدت سه قرن تمام مشهور بجنایت کاری بوده اند، قبلاً مختصری از زندگی این جوان باورث جنائی را شرح خواهیم داد:

ارنست راس جوانی است سی ساله و شغلش نقاشی و خیالی باهوش و ذوق که ساعات فراغت خود را از نقاشی تکمیل تحصیلات عالی خود در اونیورسیتته برلن صرف مینماید تا آنکه در نتیجه تکمیل تحصیلات خود قاضی آبروند پیدا نمود

این جوان با خواهر و مادر و عائله خود در یک عمارت متوسطی زندگی آرام و منظمی را داشته و همه روزها زود بمنزل مامومه و غالباً با تفاق مادر و خواهر خود برای تفریح و گردش بخارج شهر میرفتند.

در یکی از روزها این جوان مذهب و متواضع در یکی از محلات متوسط شهر برلن مشغول گردش بوده، و بدون این که عات معلوم باشد، در مقام تفحص و اجاره کردن اطافی برآمده، و بالاخره اطاق کوچک ولی پاکیزه و مرتبی را پیدا کرده و زنی پیر در آنجا ساکن بوده، و ارنست خود را با نام مستعار و معمول باین زن معرفی نمود، و اظهار داشت که بکنفر از محصلین اونیورسیتته و خانواده او در برلن نیستند و میخواهد این اطاق را برای سکناي خود اجاره کند، زن مشارالیه نیز قدمش را گرامی شمرد و قول داد که برای فردای آن روز این اطاق را خالی و باطاق دیگری انتقال پیدا خواهد کرد، و ارنست پس از آنکه این قول را گرفت بمنزل مراجعت نمود و بدون این که در این باب يك كلمه با خانواده خود صحبت کند.

صبح روز دیگر جوان مزبور خود را با داره پست رسانده و مبلغ پنج مارك بنام معمول خود که اختیار کرده بود، توسط پست شهری بادرسی منزل جدید ارسال میدارد اداره پست برلن عادتاً از قبیل امانات شهری را از خیابان سریع و فوری میرساند جوان مزبور از جریبان مزبور با اطلاع بود فوراً نهمان محل جدید که دیروز اجاره کرده بود رفته بد و صاحب منزل را برای خرید بعضی لوازم از خانه بیرون میفرستد و پس از چند دقیقه موزع پست وارد امانات مزبور را در اطاق باو تسلیم مینماید، و جوان مزبور امانات را گرفته از موزع تشکر نموده او را دعوت بداخل اطاق میکند و بعضی اینکه موزع بیچاره وارد اطاق میشود با وحمله نموده ناگردد کارش را بسبب از کیف او را باز کرده هر چه امانات قدیمی و چنگ و حواله در آن بود بر داشته راه خود را در پیش گرفته می رود.

همینکه صاحب منزل با لوازمی را که اشیاع نموده بود مراجعت میکند و وارد اطاق میشود خود را با جنایت فجیحی روی روی می بیند فوراً بپلیس اطلاع داده تحقیقات شروع میگردد ولی هر چه بیشتر جستجو می کنند، کمتر اثری بدست میاورند.

ارنست پس از آنکه مرتکب این جنایت میشود با نهایت آسودگی خاطر بمنزل خود مراجعت میکند، و اموالی را که سرقت نموده بود بمادر خود تحویل میدهد و میگوید در یکی از بخت آزمایها بدست آورده است.

پس از چند روز بمادرش اظهار میدارد که از کار خسته شده و میل دارد برای دفع حسنگی با تفاق خواهرش مسافرتی کند، و از آلمان با ایتالیا حرکت میکند، در ایتالیا يك روز که از شدت شرب مسکر بکلی عقل و شعور خود را گم کرده بود در حضور عده اعتراف جنایتی که نموده بود کرده، و اعتراف اوبگوش پلیس ایتالیا رسیده اوزانوقیف مینماید و در تحقیقات و استنطاقات رسمی جنایت مذکور اعتراف نموده و او را با خواهرش تحت الحفظ

اداره کل صناعت و فلاحات دهائی پنج باب گاراژ و چهار باب انبار و یکباب گلخانه را در عمارت اداره مطلق قشقه بمنافه میگذارد طالبین پیشنهاد خودشان را پس از مراجعه بنقشه که در شعبه ملزومات این اداره موجود است از تاریخ نشر آخرین اعلان تا سه روز در پاکت سربسته تهیه و بکاتبه تسلیم خواهند نمود شرایط دادن پیشنهاد از این قرار است اول سپردن یک هزار ریال وجه نقد و بده در موقع دادن پیشنهاد تصدیق این اداره که چنان چه پیشنهاد دهنده پس از بردن منافعه آریبندی حاصل نماید مبلغ مزبور بنفع دولت ضبط شود - دوم تعیین قیمت قشقی مطلق قشقه - سوم بفرای ضامن معتبر در حدود ثلث مبلغ منافعه که پیشنهاد داده است پیشنهادهاست پیشنهادهاست

پیشنهادهاست که حاوی شرایط فوق نباید قابل توجه نخواهد بود و اداره در رد و قبول پیشنهادها مطابق صلاح دولت مختار است. - نمره ۱۰۳۴۴

جائزه آکادمی فرانسه

جای مسرت و خوشوقتی است که ادیب و دانشمند محترم آقای اعتصامزاده مدیر جریده شریفه ستاره جهان موفق ناخذ جائزه ادبی از آکادمی رسمی دولتی فرانسه گردیده اند این دومین مرتبه است که آقای اعتصامزاده این موفقیت را احراز مینمایند - سه سال قبل از طرف آکادمی (ژولورودو - لانگدوک) برای يك قطعه شعری که زبان فرانسه را جمع به «زندگانی» سروده بودند موفق ناخذ دیپلم افتخار از مؤسسه مزبور گردیدند امسال هم در اثر ترجمه رباعیات عمر خیام به شعر فرانسه به اخذ جائزه موفق شده اند ما این موفقیت بزرگ را به همکار محترم خود آقای اعتصامزاده تبریک و تهنیت میگوییم

رستم و سهراب

بزودی درام با عظمت تاریخی ملی رستم و سهراب بقلم شیوای آقای خاخری به مرض نمایش گذارده میشود این پيس بخوبی روح سلحشوری و شهامت و وطن دوستی وشاه پرستی ایرانیان را ظاهر میسازد تماشای آن برای هر ایرانی وطنپرستی فرض واجب است نمره اعلام ۳۳۸-۱

بالبان اعزام میدارند، محاکمه ارنست در محکمه جنائی برلن شروع و از تحقیقاتی که در اطراف هویت او بعمل آمده معلوم گردیده است که جد این جوان قاتل بوده و اعدام شده است و پدرش نیز قاتل بوده و در اثر قتل مبتلا بجنون گردیده و در دارالمجانین مرده است عمومی او نیز از قطاع الطریق بوده، و در دزدی و راهزنی فقط منظورش جباوش کردن آتش شهوت قتل قس بوده است! و همچنین تحقیقات عمیقتری که بعمل آمد معلوم نمود که روح جنایت در افراد این خانواده ارثی بوده است پدر بریدر قاتل و جانی بوده اند، افراد این خانواده دزد، و جانی، و در ارتکاب جنایت بی اختیار بوده اند، در حال ارنست محکوم باعدام گردید و تحقیقاتی دیگر که بعمل آمد معلوم داشت که تصمیم بقتل خواهر خود نیز داشته ولی مجال پیدا نکرد، و زود دستگیر شد، حکم در نیمه ماه ژوئن در مجلس عمومی برلن دوباره او اجرا گردید.

از مطبوعات خارجه

از روزنامه ازبور منطقه لندن ترکیه و انحصارهای مقدس لایحه جدیدی که برای برقرار کردن کنترل دولتی در قسمت واردات قندو شکر و قهوه و جای بمجلس برده شده در مجلس کبیر ملی موجب انتقادات شدیدی نسبت به برتسپ و اصولی گردیده است که در امور جاریه امروز اتخاذ شده است

خلیل بيك که یکی از نمایندگان مستقله بشمار می آید و با کمکت حزب بولوار انتخاب گردیده اظهار داشت تجارت ترکیه رو به اضمحلال و خرابی گذارده است زیرا انحصار های دولتی بکلی قوه ابداء و ابتکار شخصی را از بین برده است

خلیل بيك پس از اظهار اینکه اصلی مالکیت شخصی اصل مقدسی در ترکیه بشمار می آید وزیر در جواب وی خاطر نشان نمود که اصل مالکیت اشتراکی تاسیسات اشتراکی که نسبت آنرا بدولت میدهند در ترکیه شناخته نشده و اشعار داشت که این انحصار جدید وسیله ایست برای جلب ممالک دیگر که خرید اجناس و اتمه ترکیه

اداره کل صناعت و فلاحات دهائی پنج باب گاراژ و چهار باب انبار و یکباب گلخانه را در عمارت اداره مطلق قشقه بمنافه میگذارد طالبین پیشنهاد خودشان را پس از مراجعه بنقشه که در شعبه ملزومات این اداره موجود است از تاریخ نشر آخرین اعلان تا سه روز در پاکت سربسته تهیه و بکاتبه تسلیم خواهند نمود شرایط دادن پیشنهاد از این قرار است اول سپردن یک هزار ریال وجه نقد و بده در موقع دادن پیشنهاد تصدیق این اداره که چنان چه پیشنهاد دهنده پس از بردن منافعه آریبندی حاصل نماید مبلغ مزبور بنفع دولت ضبط شود - دوم تعیین قیمت قشقی مطلق قشقه - سوم بفرای ضامن معتبر در حدود ثلث مبلغ منافعه که پیشنهاد داده است پیشنهادهاست

پیشنهادهاست که حاوی شرایط فوق نباید قابل توجه نخواهد بود و اداره در رد و قبول پیشنهادها مطابق صلاح دولت مختار است. - نمره ۱۰۳۴۴

پیشنهادهاست که حاوی شرایط فوق نباید قابل توجه نخواهد بود و اداره در رد و قبول پیشنهادها مطابق صلاح دولت مختار است. - نمره ۱۰۳۴۴

اعلان

اداره کل صناعت و فلاحات دهائی پنج باب گاراژ و چهار باب انبار و یکباب گلخانه را در عمارت اداره مطلق قشقه بمنافه میگذارد طالبین پیشنهاد خودشان را پس از مراجعه بنقشه که در شعبه ملزومات این اداره موجود است از تاریخ نشر آخرین اعلان تا سه روز در پاکت سربسته تهیه و بکاتبه تسلیم خواهند نمود شرایط دادن پیشنهاد از این قرار است اول سپردن یک هزار ریال وجه نقد و بده در موقع دادن پیشنهاد تصدیق این اداره که چنان چه پیشنهاد دهنده پس از بردن منافعه آریبندی حاصل نماید مبلغ مزبور بنفع دولت ضبط شود - دوم تعیین قیمت قشقی مطلق قشقه - سوم بفرای ضامن معتبر در حدود ثلث مبلغ منافعه که پیشنهاد داده است پیشنهادهاست

پیشنهادهاست که حاوی شرایط فوق نباید قابل توجه نخواهد بود و اداره در رد و قبول پیشنهادها مطابق صلاح دولت مختار است. - نمره ۱۰۳۴۴

در توبه باز است و :
باب رحمت گشاده!

بطور قریب میتوان ادعا کرد که فلسفه قسمتی از خطایا و گناهان ما مردم ، که در تفسیر و تعبیر از آنها میتوانیم اقدام دزدیهای شرعی و انواع بد اخلاقیها و ارتکاب جرائم اجتماعی را در معنای حقیقی آن خطایا و گناهان جستجو کنیم ، مربوط بهمین « باز است و : در توبه باز است و باب رحمت گشاده » من از نظر فلسفی باین یک بیت از یک رباعی که گویا از حضرت خیام باشد :

« گر من ننگم گناه رحمت که کند آرایش رحمت بگناه کردن ماست »
وقتی بینگرم می بینم برای ثبوت رحمت الهی برهان ودلیلی محکمتر از آن نمیشود اقامه کرد ، ولی از نظر تاثیر آن در اخلاق عمومی ما مردم مانند سم مهلکی است که بدبختان و عیال برخی از وعظ هم آنرا چاشنی مهلکتر زده است . . .

تنها خیام برای ثبوت یکی از صفات مسامحه الهی باین استدلال متشبه نگردیده ، سایر شعرا ما مخصوصا شعرا صوفی مشرب ما نیز در مقام های مختلفه این گفته را تکرار کرده اند ، و در پشت سر افکار و فلسفه آنها بند و اندرز و وعظ هم کمک نموده ، و توبه خوانها هم باین تیری نموده اند چطور ؟

« اگر کرورها گناه داشته باشید و یا گناه بکنید ، بایک سفر کربلا عیشیده است ، اگر صدها هزار گناه کرده باشید با صد بار خواندن یک دعای کمیل در شب جمعه آرزویده هستید « روایت بسند معتبر از حضرت صادق (ع) داریم که هر کس پنج شب جمعه روزه بگیرد ، زیارت وارث را از در بخواند گناهانش بخشیده است . « اگر یک قطره اشک برای شهادی کربلا بریزد قلب بطلان بر نامه سیاه شما کشیده خواهد شد . . . در توبه همیشه بازویاب رحمت تاقیامت گشوده است ! »

این بندهای اصول و مبادی تربیت ماری تشکیل میداده که هنوز هم میتوانیم قیای آثار بیشتر آنرا در این شهر وهم آنکه در ولایات بچشم به بینیم بگوش بشنویم ، . . . مشاهده اسف جگرگی ، یا کربلای حسین علاف ، یا شهیدی قبی ، یا آن جوان رشیدی که تازه میدان زندگی وارد شده و صاحب زنجیر و چام که نشان اول لوطی گری است می گردد وقتی این ایدوارهای فراوان را که از دهان جانشینان اطهار شنیدند دیگر باکی از اینکه جگرگرمه را بجای جگر بره کباب کرده بخورد مشتریان با دهند یا بیست من خاک و ربک را در مشتاق من خاکه ذغال برند و یک خرواز خاکه ذغال خالص بفرودند ، و ماست گندیده را بجای ماست تازه حضرت عبدالعظیم مشتری قالب کهنندارند و آن جوان رشید هم خوردن دو پیاله عرق انگور را بایک سنج کباب دبلان و آمدن مصلح شرقی

امشب

دواخانه هائی که در شب (۲۰) ماه جاری تا صبح برای رفع احتیاج اهالی محترم با تخت بر حسب تعیین تشکیلات کل نظمیه مملکتی کشیک دارند بقرار ذیل است :

محل دواخانه

- ۱ - لوب
- ۲ - خیابان ناصریه
- ۳ - سلمانی
- ۴ - طابوسیان
- ۵ - سراه عزیزخان
- ۶ - قدس
- ۷ - خیابان شاهپور
- ۸ - تدین
- ۹ - گمرک
- ۱۰ - اقدسیه
- ۱۱ - «مشاور السلطنه»
- ۱۲ - نواب
- ۱۳ - مقاله بستک
- ۱۴ - غلامرضاخان
- ۱۵ - جنب کیمساریا
- ۱۶ - بین المللی
- ۱۷ - خیابان میروس

میدان توبخانه و گرفتن جلوی زنها را گناه قابل بخشش و عفو می داند زیرا از دوران کودکی که با مادر خود به مسجد میرفته از وعظ محترم شنیده است که : در توبه باز است و باب رحمت گشاده است!

فلان بزای ، یا تجار در یک معامله حضرت عباسی سه ده یک روی جنس کشیده بدر مشتری و خریدار را بدر آورده و لسی شب جمعه برای آموزش گناهان و تائین بیدار کردن از خشم درای غضب مولای متقیان ، در امازاده قاسم شب زنده داری نموده ، و اولاف پنج مرتبه دعای کمیل وجوشن کبیر را خوانده است . . .

قمار بازی در دیانت ما حرام است ، همان طوریکه شرابخواری هم تحریم شده و چون در توبه باز و باب رحمت گشاده است حرکت در لوتو ، کشیدن ورق در بازی نانک ، دورا دور شریک شدن در یک دست چهار آس و پس ، دو قران در بازی تخمخه ترد به شرکت گذاردن ، شب تا صبح پای میز یا سفره قمار بهن شدن ، و کسالت بی خوابی را بایک دو بست تریاک مرتفع نمودن ، وزن و سجه خوردن در انتظار گذاشتن ، در پیشگاه عدالت الهی مفاست !!

نه ، این خوب تربیتی نیست که ما داریم ، ما بکنای خدا هر گناهی را نمیتوانیم مرتکب شویم ، ما نمیتوانیم خطایای غیر قابل عفو اجتماعی را با این سفسطه ها قابل بخشایش دانسته گناهان خود را مایه آرایش رحمت الهی بدانیم ، آنهایکه بخدا معتقد هستند بطور حتم باید ایمان ببدالت او داشته ، و وقتی ایمان به عدالت او داشتند یقینا بداندند که :

«خدا ممکن است از حق خود بگذرد ولی از حق مردم یا حقوق جامعه که من و شما تحت این عناوین لگد مال میکنیم هرگز نخواهد گذشت .

عجلان خدا نگهدار تا بعد - ح

طریق تصور میکردم که شاید مامورین کشف جرم را قریب داده و موفق بقرار از مجازات شود .

علاوه بر اعتراف فوق معترف است که جنایت او اقلی نبوده و مدتی قتل او را در نظر داشته و بیوسه مرتبه فرصت بوده تا آنروز نظر بمنافسه که بین آنها شده بود به عمل فحیح خویش گردیده مضافا باین که بهیچوجه آثار پشیمانی در او دیده نشده و بطور صریح اظهار نموده که ادا از عمل خویش ندانم ، ندارد و اینکه متمرد است عیال او بد عمل بوده و از نظر شرافتی میادرت باین اقدام نموده است صرف ادعا فقط برای فرار از مجازات است زیرا علاوه بر آنکه بهیچوجه دلیلی برای ادعای خویش اقامه نکرده چنین عملی بفرص صحت ایجاب قتل او را از طرف شهرش نمی کرده زیرا در صورتی که مشار الیه عمل بوده و سوء رفتاری از او مشاهده کرده بود ممکن بود او را طلاق دهد و مسلم است که اساسا برای بردن مال عیال خود مرتکب قتل او گردیده و اصولا ازدواج این دو فر با در نظر گرفتن اختلاف سنی که بین آن ها بوده محقق میدارد که فرامرز فقط از همین نظر با او ازدواج کرده معذرا نظر بقرائن و دلایل فوق الذکر و سایر اوضاع و احوال و کیفیات مشاهده که از مجموع دو سیه مستفاد میشود عقیده مدعی العموم بدایت مسلم و محرز است که فرامرز پس صادق خان ۳۵ ساله مالک اهل تبریز ساکن طهران که فعلا از نظر مناعت ارفرار بموجب قرار مستطقی صبه ۸ در توفیق است عمدا و با نیهی مقدمات اولیه و تعمق قبلی مرتکب قتل عالیله خانم گردیده و با در نظر گرفتن کیفیات مشاهده که فوقا ذکر شد بموجب ماده ۱۷۰ تقاضای اعدامش را بمنابعید محصل وقوع جرم طهران تاریخ وقوع جرم اول مرداد ماه ۱۳۱۱

ادعایان مدعی العموم بدایت طهران و تقاضای اعدام فرامرز از محکمه جنائی طهران

هیئت محترم محکمه جنائی طهران - در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۱۱ از اداره تأیینات یار که بدایت اطلاع داده شد که عالیله خانم نسای ملقبه بشاهزاده خانم والی ساکنه کوجه امیرزاده خیابان خاقم خود را در آب انبار انداخته و در نتیجه خفه شده است شوهر او فرامرز نام حنظون واقع گردیده و پس از یک سلسله تحقیقات از مشارالیه بالاخره صراحتا اعتراف نمود که در روز اول مرداد ماه ۱۳۱۰ نظر بمنافسائی که با عیال خود داشته او را بموضع انداخته و بیایای خویش سر او را در کف حوض بقدری نگاهداشته که مشارالیه خفه شده سپس او را از حوض بیرون آورده و در آب انبار پرتاب نموده و پس از آن برای مدتی نمودن جرم و آثار آن در حیطه را از خراج بسته و خود بعشرت آباد نزد مادر خویش رفته و پس از چند ساعت مراجعت و ده روز برای اینکه مرد سوء ظن همسایگان واقع نگردد در را مدتی که بیده و چمن جواب نشنیده شب را خارج مانده و صبح مجددا مراجعت کرده و بتوسط فاطمه نام در حیطه را از خانه همسایه باز کرده و فوراً با داره کمیساریه اطلاع داده که عیالش احتکار کرده و خود را در آب انبار انداخته است و بدین

در محکمه جنائی

محاکمه جاعل تصدیق نامه شوهری
محاکمه آژیروان ولد نریمان شوهر متهم به جعل تصدیق نامه شوهری که در محکمه جنائی جریان داشت پرویز خاتمه پذیرفت - وکیل مدافع این محاکمه آقای مظفر فیروز بودند و خلاصه اظهارات ایشان در دفاع از متهم به قرار ذیل بوده است :

بیاناتی که آقای مدعی العموم از لحاظ تئید مراتب ادعای خود تقدیم ملاحظه هیئت محترم محاکمه نموده اند در واقع تذکر مجددمفادی است که در خود ادعا نامه تصریح گردیده است در ادعایان که تنظیم فرموده اند مدعی - هستند که موکل این جانب بعام جعل تصدیق شوهری را مورد استفاده قرار داده است بدین جهت باید دید دلایل مثبتی که از قلم نظر ثبوت این ادعا ارائه داده شده از چه قبیل بوده و کیفیت آنرا نیز از چه قرار مییابد با مراجعه مفاد و مندرجات ادعا نامه ملاحظه خواهند فرمود . تنهائیلی که آقای مدعی العموم برای ثبوت ادعای خود تقدیم محکمه محترم عالی نمودند اظهاراتی است که موکل این جانب در استنطاقات ظمیه و عدلیه نموده که آنرا را حمل بر اقرار فرموده و باتکای آن تقاضای صدور رای مقتضی را نمودند بدین جهت توجه خاص هیئت محترم محاکمه را اظهاراتی که موکل این جانب در استنطاقات خود نموده و اینک میخرام شرح داده و مورد بحث و تجزیه قرار دهم مخصوصا معلوف میدارم .

البته بر هیئت محترم محاکمه پیوسته نیست که هر چند در امور حقوقی ممکن است بصرف اتکای اقرار حکم مقتضی را صادر نمود اما در امور جزائی از آنجائی که عامه ذی دخل بوده که مقصر حقیقی کشف شده و مجازات برسد اتکای بالقرار به تنهائی کافی برای صدور رای نمیتوان دانست .

البته هیئت محترم محاکمه تصدیق خواهند فرمود که هرگاه کسی بخواد بامری اعتراف نماید برای اینکه اقرار مزبور دارای اعتبار قانونی باشد مستلزم بیان حقیقت است و شک نیست که بیان حقیقت مستلزم عدم تناقض است اما با مراجعه به استنطاقاتی که در تنظیم بعمل آمده ملاحظه خواهند فرمود که موکل اینجانب در جواب سؤال اینکه چطور مفاد تصدیق نامه تغییر یافته اول اظهار داشته که خود آنرا تغییر داده و بعد که معلوم شد سواد ندارد تکذیب اظهار اولی را نموده و اظهار داشت دیگران آنرا تغییر دادند - قطع نظر از تناقض کالی که در اظهارات فوق الذکر مشاهده میشود که دلالت دارد بر اینکه بیان حقیقت نشده و چون بیان حقیقت نشده مدلل میشود که اظهارات موکل اینجانب فاقد اعتبار قانونی است یک نکته دقیق دیگری هم هست که قابل توجه مخصوصا است و آن این است باینکه جاعل اصلی تصدیق نامه شخص معلوم شده و این مجازات قانونی رسیده و بدین جهت قطع یقین است که موکل این جانب مرتکب عمل جعل نگردیده و حتی چنین ادعائی هم در ادعایانم نشده مذلک ملاحظه میفرمائید که در استنطاقات ظمیه خواسته است ارتکاب به عمل جعل را برگردن خود عهد بگیرد و البته محل انکار نخواهد بود که بکنفر اگر حقیقتا مجرم باشد هیچ وقت بجرمی که مرتکب نشده اقرار نمینماید و این اظهار موکل این جانب را فقط باید ناشی از نادانی و جهالت دانست یعنی نظر باینکه در هیچ موقع سابقه اتهام بجرم نداشته در این مورد که خود را در مقال توفیق و استنطاق در ظمیه مشاهده نموده وحشت کرده و اظهارات مزبور را نموده است بدین جهت چون نادانی و جهالت راجع نمیتوان دانست هیئت محترم محاکمه موکل این جانب را جاهل بدانند نه جاعل

یک نفر مجرم قطعا ساعی است عمل خود را پنهان و مخفی نگاهداشته و از بروز آن بدبگران و بالخصوص غریبه و ناشناس اجتناب دارد پس چگونه اظهار موکل این جانب که مراجعه به آدم ناشناس نموده و اینکه به او تکلیف معاونت درج را کرده و اینکه شخص مزبور بدون اینکه هیچ استفاده مادی در بین باشد تکلیف معاونت در جرم را پذیرفته و عمل نموده است معقول دانسته و آنرا اساس ادعایان خود قرار داده و به اتکای آن تقاضای صدور مجازات موکل اینجانب را از پیشگاه هیئت محترم محاکمه کرده است .

آیا معقول هست تصور شود که بکنفر مجرم قصد و نیت خود را بکنفر آدم ناشناس گفته و به او هم تکلیف معاونت در جرم را نماید سوا یا در امور جزائی که تردید برادر نیست و مراتب ادعایان باید حکما استناد اظهارات محکم و دلالت قوی بشبوت برسد این قبیل اظهارات متناقض و عیید را کافی برای محکومیت بکنفر بشبوت میتوان دانست ؟

بالاخره با در نظر گرفتن اظهار صریح های رایت مبنی بر عدم استحضار انوشیروان از عمل جعل و با در نظر گرفتن اظهارات موکل این جانب که تنها اتکای ادعا نامه مییابد و تماما

اعلان

از طرف صحبه کل مملکتی

صحبه کل مملکتی بیست جفت درب و پنجره از چوب جنگلی بمنافسه خریداری مینماید شرکت کنندگان برای کسب اطلاعات بمحاسبات صحبه کل مراجعه نمایند .
پیشنهادات روز سه شنبه اول شهریور ۱۳۱۱ ساعت ده صبح در محاسبات صحبه کل مفتوح خواهد شد . صحبه کل دررد و قبول پیشنهادات آزاد است
نمره اعلان ۴۰ نمره ۱۱۸۰۷ رئیس صحبه کل مملکتی دکتر ژنرال کولونیه



نمره اعلان ۳۷۳

فروش تجارتنی : توسط اداره آ. ت. گ. طهران

از امریکا دیدم و ارتانوش را از رام در برده اند .

بطوریکه خود ارتانوش به من میگفت و کاملا اسباب اوقت تلخی من میشد و هر چه باونصیحت کردم مؤثر نشد تا اینکه من از چاتم سیر شدم گفتم هر طور است از این مملکت میروم در روسیه علاقه کاسافا داهتم بکجائی مشغول کسب می شوم این بود تذکره فراهم کردم اول شب آدمم بطرف خانه دیدم درب خانه قفل است برگشتم رفتم دکان خیاطی قدری آنجا بودم اوقاتم تلخ بود بعد از مدتی مراجعت کردم بین راه به ارتانوش بر خوردم باو گفتم تو زن هستی این وقت شب کجا بودی مایستی با من گردش بروی جوایباد بتو مربوط نیست هر جا دلم می خواهد میروم با یکدیگر رفتیم منزل قفل خانه را باز گفتم رفتیم توی خانه بعد از چند دقیقه کور کین آمد لخت شدیم بخوابیم من اوقاتم تلخ بود شروع کردم بتقر کردن بگور کین گفتم چرا غیرت نداری این همه زحمت من برای تو و مادرت کشیدم چرا با من اینطور رفتار میکنی از سر تخت خواب بلند شدم آدمم کنار لیز که آب خوردم همینطور با آنها مشاجره میکردم کور کین گفت هر چه میخواهی برو بتو زهر ماری نمیدهم بگور کین گفتم خجالت نمیکشی من کجا از تو پول خواستم که هر جا نشستی بگتی دو نا کان از من پول می خواهد کجا من از تو پول خواستم من هم فردا تلافی نموده و راپرت میدهم که تو سی سال نداری و مشمول تمام وظیفه هستی باید خدمت کنی بکمرته کور کین بطرف من حمله کرد و با کارد فرو کرد منم کارد را او گرفت و بیشتر عصبانی شدم چند ضربت باو زدم مادرش بحمايت او آمد دیگر در بین نزاع فهمیدم کارد باو هم اصابت نمود دیگر چون تاریک بود و ما هم زد و خورد میکردیم نمیدانم چند ضربت کارد بمادرش خورد و چند کارد بگور کین خورد حالا کاری است شده من در واقع دلم مجروح است هیچ دروغ نمی گویم خدا میداند که تمام این حرفها راست است

قتل عیال و ناپسری خود

در تاریخ لیل ۲۶ اردی بهشت ماه ۱۳۱۱ در بندر یهای خیابان میربختانه منزل بکنفر مسیحی جنایتی واقع گردیده و دوناگان مسیحی تبعه دولت علیه عیال خود وار طانوش و بسر زش گورگین عضو شیلات را مقتول مینماید .

شرح قضیه بقرار است که دوناگان در حضور مستنطق اعتراف نموده و بطریق ذیل اظهار میدارد :

(من اصلا اهل ارض روم هستم در سن ۷ سالگی با پدرم بروسیه رفتم تاسن ۲۵ سالگی در روسیه بودم پدرم از ارض روم برای من زن گرفت و آورد بروسیه در آنجا بزای می کردم تا جنگ عمومی پدرم عیال مرا بایک پسر که مگر درج نام دارد و فعلا در فلانرستان است با یکدختری که داهتم بطرف اسلامبول حرکت کرد دخترم در بین راه و پدرم پس از ورود باسلامبول فوت کرده بود و از طرفی عیال برای دیدن فایلیش به ارض روم رفت روم عثمانی ها ارا منرا مجبور بمهاجرت کرده و آنرا با بموصل رانده بودند بواسطه مشقت راه عیال من در موصل فوت کرد و من در این مدت در روسیه بودم بعد از جنگ پنج ضی مرتبه ترکیه مسافرت کردم بعد دیدم در روسیه نمیتوانم بمانم تاچار با ایران مهاجرت کردم بکنفر تهم با بریکاسفر کردم و نظر باینکه عیال من فوت کرده بود ناچار بودم زن بگیرم در ۱۹۱۷ و ارتانوش (مقتوله) را که شوهرش در جنگ کشته شده بود گرفتم و از اول پدرم تذکره ایران داشت و ماهی تریه ایران بودم وقتی که وار تانوش را گرفتم تبعه دولت روسیه بود و گورگین مقتول هم بچه بود او هم تبعه دولت روسیه بود هر دورا تبعه دولت ایران نمودم - مادام که در روسیه بودم هیچ اختلاف و نزاعی بین ما نبود و ارتانوش از من خیلی خوب پذیرائی میکرد و منم با او خیلی خوب رفتار میکردم حتی در روسیه خانه با هم او خریدیم اتفاقا تغییر اوضاع روسیه تمام هستی ما را از بین برد و ناچار شدیم ایران بیایم وقتی که میخواستیم ایران بیایم پول زیادی داشتیم بقدری رات گرفتیم و آمدن ما ایران مد از مدتی توقف با بریکاسفر رفتیم در امریکاکارم خراب شد و از امریکاکارم کاهن بود تانوش نوشتیم جواب نداد و هر طور بود با ایران آمدیم و تقریبا پانصد ششصد تومان پول داشته چمدان خود را بمنزل و ارتانوش بردم وقتی که او را ملاقات کردم دیدم کلی عوض شده هر طور بود او آشتی کردم اما مردم همیشه بین ما قسار و کدورت ایجاد کردند بالاخره هر روز اسباب اوقات تلخی بین ما فراهم بود تا اینکه من از جان خود سیر شدیم تصمیم گرفتیم از این مملکت بروم تذکره گرفتیم پولهای مسرا اینها خرج کرده بودند و هر وقت بین من و ارتانوش (مقتوله) عیال من گفتگو و اوقات تلخی میشد گورگین (مقتول) که پسر او بود به حمايت مادرش با من طرف میشد و مراحت

متناقص بوده و از قلم نظر کیفیت بعید مییابد البته تصدیق خواهند فرمود که دعوی آقای مدعی العموم غیر محرز و هیچوجه دلالتی که از طرف ایشان اقامه شده کالی و مشمول شرایط لازم قانونی نمیشاند و بدین جهت از پیشگاه هیئت محترم محاکمه صدور رای برائت ذمه موکل خود را درخواست مینمایم .

پس از ختم بیانات آقای مظفر فیروز اعلان ختم محاکمه و محکمه مشغول شور و مشاوره شدند که رای مقتضی را صادر نمایند لکن هنوز رای مزبور صادر نشده است پس از صدور بدرج آن مبادرت خواهد شد

قتل عیال و ناپسری خود

در تاریخ لیل ۲۶ اردی بهشت ماه ۱۳۱۱ در بندر یهای خیابان میربختانه منزل بکنفر مسیحی جنایتی واقع گردیده و دوناگان مسیحی تبعه دولت علیه عیال خود وار طانوش و بسر زش گورگین عضو شیلات را مقتول مینماید .

شرح قضیه بقرار است که دوناگان در حضور مستنطق اعتراف نموده و بطریق ذیل اظهار میدارد :

(من اصلا اهل ارض روم هستم در سن ۷ سالگی با پدرم بروسیه رفتم تاسن ۲۵ سالگی در روسیه بودم پدرم از ارض روم برای من زن گرفت و آورد بروسیه در آنجا بزای می کردم تا جنگ عمومی پدرم عیال مرا بایک پسر که مگر درج نام دارد و فعلا در فلانرستان است با یکدختری که داهتم بطرف اسلامبول حرکت کرد دخترم در بین راه و پدرم پس از ورود باسلامبول فوت کرده بود و از طرفی عیال برای دیدن فایلیش به ارض روم رفت روم عثمانی ها ارا منرا مجبور بمهاجرت کرده و آنرا با بموصل رانده بودند بواسطه مشقت راه عیال من در موصل فوت کرد و من در این مدت در روسیه بودم بعد از جنگ پنج ضی مرتبه ترکیه مسافرت کردم بعد دیدم در روسیه نمیتوانم بمانم تاچار با ایران مهاجرت کردم بکنفر تهم با بریکاسفر کردم و نظر باینکه عیال من فوت کرده بود ناچار بودم زن بگیرم در ۱۹۱۷ و ارتانوش (مقتوله) را که شوهرش در جنگ کشته شده بود گرفتم و از اول پدرم تذکره ایران داشت و ماهی تریه ایران بودم وقتی که وار تانوش را گرفتم تبعه دولت روسیه بود و گورگین مقتول هم بچه بود او هم تبعه دولت روسیه بود هر دورا تبعه دولت ایران نمودم - مادام که در روسیه بودم هیچ اختلاف و نزاعی بین ما نبود و ارتانوش از من خیلی خوب پذیرائی میکرد و منم با او خیلی خوب رفتار میکردم حتی در روسیه خانه با هم او خریدیم اتفاقا تغییر اوضاع روسیه تمام هستی ما را از بین برد و ناچار شدیم ایران بیایم وقتی که میخواستیم ایران بیایم پول زیادی داشتیم بقدری رات گرفتیم و آمدن ما ایران مد از مدتی توقف با بریکاسفر رفتیم در امریکاکارم خراب شد و از امریکاکارم کاهن بود تانوش نوشتیم جواب نداد و هر طور بود با ایران آمدیم و تقریبا پانصد ششصد تومان پول داشته چمدان خود را بمنزل و ارتانوش بردم وقتی که او را ملاقات کردم دیدم کلی عوض شده هر طور بود او آشتی کردم اما مردم همیشه بین ما قسار و کدورت ایجاد کردند بالاخره هر روز اسباب اوقات تلخی بین ما فراهم بود تا اینکه من از جان خود سیر شدیم تصمیم گرفتیم از این مملکت بروم تذکره گرفتیم پولهای مسرا اینها خرج کرده بودند و هر وقت بین من و ارتانوش (مقتوله) عیال من گفتگو و اوقات تلخی میشد گورگین (مقتول) که پسر او بود به حمايت مادرش با من طرف میشد و مراحت

متناقص بوده و از قلم نظر کیفیت بعید مییابد البته تصدیق خواهند فرمود که دعوی آقای مدعی العموم غیر محرز و هیچوجه دلالتی که از طرف ایشان اقامه شده کالی و مشمول شرایط لازم قانونی نمیشاند و بدین جهت از پیشگاه هیئت محترم محاکمه صدور رای برائت ذمه موکل خود را درخواست مینمایم .

پس از ختم بیانات آقای مظفر فیروز اعلان ختم محاکمه و محکمه مشغول شور و مشاوره شدند که رای مقتضی را صادر نمایند لکن هنوز رای مزبور صادر نشده است پس از صدور بدرج آن مبادرت خواهد شد

قتل عیال و ناپسری خود

در تاریخ لیل ۲۶ اردی بهشت ماه ۱۳۱۱ در بندر یهای خیابان میربختانه منزل بکنفر مسیحی جنایتی واقع گردیده و دوناگان مسیحی تبعه دولت علیه عیال خود وار طانوش و بسر زش گورگین عضو شیلات را مقتول مینماید .

شرح قضیه بقرار است که دوناگان در حضور مستنطق اعتراف نموده و بطریق ذیل اظهار میدارد :

(من اصلا اهل ارض روم هستم در سن ۷ سالگی با پدرم بروسیه رفتم تاسن ۲۵ سالگی در روسیه بودم پدرم از ارض روم برای من زن گرفت و آورد بروسیه در آنجا بزای می کردم تا جنگ عمومی پدرم عیال مرا بایک پسر که مگر درج نام دارد و فعلا در فلانرستان است با یکدختری که داهتم بطرف اسلامبول حرکت کرد دخترم در بین راه و پدرم پس از ورود باسلامبول فوت کرده بود و از طرفی عیال برای دیدن فایلیش به ارض روم رفت روم عثمانی ها ارا منرا مجبور بمهاجرت کرده و آنرا با بموصل رانده بودند بواسطه مشقت راه عیال من در موصل فوت کرد و من در این مدت در روسیه بودم بعد از جنگ پنج ضی مرتبه ترکیه مسافرت کردم بعد دیدم در روسیه نمیتوانم بمانم تاچار با ایران مهاجرت کردم بکنفر تهم با بریکاسفر کردم و نظر باینکه عیال من فوت کرده بود ناچار بودم زن بگیرم در ۱۹۱۷ و ارتانوش (مقتوله) را که شوهرش در جنگ کشته شده بود گرفتم و از اول پدرم تذکره ایران داشت و ماهی تریه ایران بودم وقتی که وار تانوش را گرفتم تبعه دولت روسیه بود و گورگین مقتول هم بچه بود او هم تبعه دولت روسیه بود هر دورا تبعه دولت ایران نمودم - مادام که در روسیه بودم هیچ اختلاف و نزاعی بین ما نبود و ارتانوش از من خیلی خوب پذیرائی میکرد و منم با او خیلی خوب رفتار میکردم حتی در روسیه خانه با هم او خریدیم اتفاقا تغییر اوضاع روسیه تمام هستی ما را از بین برد و ناچار شدیم ایران بیایم وقتی که میخواستیم ایران بیایم پول زیادی داشتیم بقدری رات گرفتیم و آمدن ما ایران مد از مدتی توقف با بریکاسفر رفتیم در امریکاکارم خراب شد و از امریکاکارم کاهن بود تانوش نوشتیم جواب نداد و هر طور بود با ایران آمدیم و تقریبا پانصد ششصد تومان پول داشته چمدان خود را بمنزل و ارتانوش بردم وقتی که او را ملاقات کردم دیدم کلی عوض شده هر طور بود او آشتی کردم اما مردم همیشه بین ما قسار و کدورت ایجاد کردند بالاخره هر روز اسباب اوقات تلخی بین ما فراهم بود تا اینکه من از جان خود سیر شدیم تصمیم گرفتیم از این مملکت بروم تذکره گرفتیم پولهای مسرا اینها خرج کرده بودند و هر وقت بین من و ارتانوش (مقتوله) عیال من گفتگو و اوقات تلخی میشد گورگین (مقتول) که پسر او بود به حمايت مادرش با من طرف میشد و مراحت

متناقص بوده و از قلم نظر کیفیت بعید مییابد البته تصدیق خواهند فرمود که دعوی آقای مدعی العموم غیر محرز و هیچوجه دلالتی که از طرف ایشان اقامه شده کالی و مشمول شرایط لازم قانونی نمیشاند و بدین جهت از پیشگاه هیئت محترم محاکمه صدور رای برائت ذمه موکل خود را درخواست مینمایم .

پس از ختم بیانات آقای مظفر فیروز اعلان ختم محاکمه و محکمه مشغول شور و مشاوره شدند که رای مقتضی را صادر نمایند لکن هنوز رای مزبور صادر نشده است پس از صدور بدرج آن مبادرت خواهد شد

